نگاه

گفت‌وگو با امدادگر ساوه‌ای

عشق موبایل‌ها امدادگر نمی‌شوند!

زینب فیضی- خبرنگار داوطلب |جذب اعضا و ایجاد نظام انگیزشی برای نگه‌داشتن آنها، بحث‌برانگیزترین موضوعی است که تفکر درباره آن، ما را به چالش می‌کشد. آیا برای نگه‌داشتن افرادی که داوطلبانه وارد عرصه خدمت‌رسانی به مردم شده‌اند، نیازی به ارایه تسهیلات انگیزشی است؟ آیا اعطای خدمات انگیزشی موجب از بین رفتن انگیزه‌های بشردوستانه یا تغییر جهت آن به سمت دیگری نمی‌شود؟ اینها سوالاتی است که ما را بر آن داشت برای یافتن پاسخشان به سراغ نجاتگر باتجربه و فعال جمعیت هلال‌احمر شهرستان ساوه برویم و علت حضور مستمر و پرشور این جوان ۳۲ساله را جویا شویم.

حسین (هومن) خلج معصومی متولد ۲۲ شهریورماه ۱۳۶۳ در شهرستان ساوه است. او دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در محله آسیاب برجی شهرستان کرج سپری و در ۱۵ سالگی به همراه خانواده به ساوه نقل مکان کرد. در سال ۸۳ وارد دانشگاه آزاد اسلامی ساوه شد و لیسانس خود را در رشته مهندسی مکانیک، گرایش ساخت و تولید اخذ کرد و اکنون هم دانشجوی دوره کارشناسی HSE (ایمنی صنعتی) در مرکز آموزش علمی- کاربردی گروه صنعتی صفادر ساوه است. برای آشنایی بیشتر، با او گفت‌وگو کردیم.

لطفا درباره سوابق‌تان در هلال‌احمر برایمان بگویید

از سال ۷۹ در جمعیت هلال‌احمر عضو شدم و دوره‌های امداد و کمک‌های اولیه را گذراندم و با وجود سن کم، به‌خاطر حُسن فعالیت مورد تشویق واحد امدادونجات جمعیت هلال‌احمر ساوه قرار گرفتم. از همان سال در پایگاه امدادونجات جاده‌ای قره‌چای واقع در جاده قدیم ساوه- سلفچگان به‌عنوان امدادگر مشغول به خدمت شدم. در دوران دانشجویی فعالیت‌های زیادی داشتم، ازجمله دبیری کانون دانشجویی هلال‌احمر دانشگاه و سردبیری نشریه دانشجویی با عنوان نمادین (سه نقطه علامت سوال) زیر نظر سازمان هلال‌احمر را برعهده داشتم و همزمان نیز در واحد جوانان جمعیت هلال‌احمر کار دانشجویی انجام می‌دادم. در سال ۱۳۸۶ بعد از گذراندن دوره مربیگری همزمان به‌عنوان امدادگر و مدرس امدادونجات در امر آموزش مشغول خدمت‌رسانی شدم و پس از آغاز درجه‌بندی امدادگران به درجه نجاتگر یکم و سپس با شرکت در آزمون تعیین درجه به مقام ایثار مفتخر شدم. فعالیت‌های ورزشی خود را در زمینه‌های رزمی، شنا و نجات غریق از سال ۱۳۸۴ آغاز کردم و همیشه ورزش و تحرک را سرلوحه کارهای خود قرار داده‌ام و به‌عنوان مربی شنا همیشه دیگران را به پرداختن به این مهم ترغیب کرده‌ام. کسب مقام اول استانی در مسابقات شنای قورباغه و مقام دوم استانی در مسابقات شنای پروانه از افتخارات اینجانب است. در کنار تحصیل در دانشگاه به دلیل علاقه زیاد به آموختن زبان‌های خارجه، به فراگیری زبان انگلیسی و زبان فرانسه پرداختم. خداوند را شاکرم که تابستان امسال به حول و قوه الهی و با رأی عزیزان و دوستان هلال‌احمری به‌عنوان عضو اصلی شورای اجرایی جمعیت هلال‌احمر ساوه توفیق خدمت‌رسانی نصیبم شد که در حال حاضر رسیدگی به امور امدادگران از اهم موارد در برنامه کاری ماست. از دوره‌های آموزشی سازمان نیز دوره‌های تخصصی امدادونجات از قبیل دوره اقدامات پیش‌بیمارستانی، نجات در جاده، نجات در آوار، نجات در سیلاب، نجات در کوهستان، فضاهای معلق، حمایت روانی در سوانح و اسکان اضطراری را گذرانده‌ام.

شما به‌عنوان یک امدادگر فعال و باتجربه، آیا برای انجام فعالیت‌هایتان مورد حمایت خانواده قرار می‌گیرید؟

پدر و مادر من هر دو فرهنگی بازنشسته هستند و به دلیل آشنایی با تشکل‌های دانش‌آموزی در مدارس، با ماهیت سازمان و جمعیت هلال‌احمر آشنا شدند و خود از اعضای افتخاری و داوطلب سازمان داوطلبان هلال‌احمر هستند. بانی عضویت و ورود من به سازمان تشویق‌های پدرم بود که در ایام تابستان خود به‌عنوان راننده-امدادگر داوطلب در پایگاه امدادی خدمت می‌کرد و همین‌طور آقای مجید جمال که در گذشته مسئولیت واحد امداد شهرستان ساوه و هم‌اکنون ریاست جمعیت هلال‌احمر شهرستان تفرش را عهده‌دار هستند. من روحیات هلال‌احمری و امدادی خود را مرهون الطاف این عزیزان هستم. بعد از عضویت من، خواهر، برادر، عمو و چند نفر از اطرافیانم نیز به فعالیت‌های هلال‌احمر علاقه‌مند شدند و دوره‌های هلال‌احمر را گذراندند. من در خانواده‌ای با تفکر هلال‌احمری بزرگ شدم و رشد کردم و همین روحیه هلال‌احمری خانواده‌ام و حمایتشان، همواره باعث دلگرمی برای ادامه فعالیت‌هایم در سازمان بود. فعالیت‌های داوطلبانه یک کار دلی است. با توجه به این که حضور داوطلبی در جمعیت هلال‌احمر از نظر مالی هیچ توجیهی ندارد و گاهی روی زندگی عادی افراد و شغل‌شان نیز تأثیر می‌گذارد، اگر واقعا عاشق کار و هدفتان باشید، می‌توانید راهتان را استوار ادامه دهید.

خاطره کوتاه و تاثیرگذاری از دوران امدادگری‌تان برایمان تعریف کنید.

همان‌طور که در قرآن ذکر شده است، روز قیامت فرشته اسرافیل در صور خود می‌دمد و همه وحشت‌زده به تلاطم می‌افتند و حتی مادر، فرزندش را نمی‌شناسد. در یک صحنه تصادف من این واقعه را در بُعد بسیار کوچکی لمس کردم. ساعت ۴صبح در آخرین شب‌های پاییز، سرمای استخوان‌سوز پای حرکت همه را بریده بود. یک خودرو عبوری، واژگون شدن یک خودرو در همان نزدیکی را به ما خبر داد. به سرعت از پایگاه حرکت کردیم تا رسیدن به محل حادثه از شدت سرما می‌لرزیدیم. وقتی سر صحنه تصادف حاضر شدیم، سرنشینان خودرو، صندلی عقب خودرو را جدا کرده، آتش‌زده و دورش جمع شده بودند. براساس وظیفه، سلامتی‌شان را بررسی کردیم. خوشبختانه کسی آسیب خاصی ندیده بود، فقط از شدت سرما و تصادف همه در شوک بودند. وقتی از تعداد همراهانشان پرسیدیم، راننده گفت برادر همسرم کنار خودرو خوابیده! ما خیلی تعجب کردیم که در این سرما مگر می‌شود خوابید! به سراغش رفتیم، اما او فوت کرده بود. ناگهان زیر نور مهتاب و شعله آتش متوجه تکان‌خوردن چیزی در همان‌سو شدم. پیش خودم فکر کردم ممکن است جانوری در کمین باشد. با این وجود جلوتر رفتم و دیدم کودکی بر زمین افتاده که هنگام واژگون‌شدن از داخل خودرو به بیرون پرتاب شده بود، ولی اصلا مادر فراموش کرده بود که چنین فرزندی دارد! با توجه به وخامت حال کودک، باید اول او را منتقل می‌کردیم. بانهایت سرعت ممکن تا آمبولانس دویدیم و به سمت اورژانس حرکت کردیم. در آمبولانس تمام تلاش خود را برای زنده نگه‌داشتن کودک انجام دادیم، ولی به محض ورود به اورژانس بیمارستان، متاسفانه دختربچه روی دست‌های من آخرین نفس‌هایش را کشید. این ماجرا به‌عنوان نخستین تجربه‌های امدادگری‌ام، بسیار تلخ بود. مرگ آن دختر روی دستانم من را به بهت و تأثر عمیقی فروبرد، طوری که مدتی از پایگاه امدادی دور شدم. حتی یادآوری صحنه تصادف هم حالم را دگرگون می‌کند. اما واقعیت زندگی این است که حوادث تلخ و ناگوار همیشه درحال وقوع است و این ماهستیم که می‌توانیم با پند گرفتن از آنها تلخی‌اش را به شیرینی تجربه بدل کنیم، ولی در این بین گاهی نیز به لمس واقعیت واژه «قسمت» ناگزیر خواهیم بود.

چه چیزی موجب شده فعالیت‌های‌تان را در هلال‌احمر داوطلبانه و به‌طور مستمر ادامه دهید؟

عنصر فعالیت‌های پویا در ساختار هلال‌احمر من را به سمت حضور و مداومت سوق داد. فعالیت‌های هلال‌احمر روتین نیست و در این مجموعه هیچ‌کس روزمرگی را تجربه نکرده است. سازمان و افراد مرتبط با سازمان با واحدها و اقشار مختلفی سر و کار دارند، از یک کودک خردسال تا میانسالان و کهنسالانی که همه و همه می‌توانند داوطلبانه با جمعیت هلال‌احمر همکاری داشته باشند. وجود اقشار مختلف و خدمت‌رسانی به آنها، من را پاگیر هلال‌احمر کرده است. رفتن به مناطق محروم و کمک به آنها نیز برایم بسیار مورد توجه است. حضور زنده‌دلانی مثل آقای جمشید تقوی مقدم که با وجود گذر سنشان از ۶۰سال هنوز چون سروی استوار گوشه‌ای از کار را می‌گیرند، روحیه امدادی و خلق و خوی مهربان ایشان باعث روحیه خوب تمام اطرافیان می‌شود، البته در این میان هستند افرادی هر چند قلیل که تنها در ظاهر جوانند، اما خسته و بی‌حوصله‌اند. کسانی که ترجیح می‌دهند تمام وقت خود را با تلفن همراهشان بگذرانند. به عقیده من این افراد فقط امدادگرانی هستند که دوره‌های امداد را گذرانده‌اند و هلال‌احمری نیستند. برای هلال‌احمری بودن باید روحیه هلال‌احمری داشت و وجود هلال‌احمری‌ها انگیزه‌ماندنم بود.

نظرشما درباره ترغیب جوانان به فعالیت‌های امدادی و حضور مستمر آنان در هلال‌احمر چیست؟

برای جذب نیرو نیاز به تبلیغات است تا موجب آشنایی افراد با هلال‌احمر و ترغیب آنان شود ولی بودجه‌های اختصاص داده شده به تبلیغات و جذب افراد بسیار کم است. می‌توان با به‌کار بستن روش‌هایی بدون نیاز به هزینه‌های سنگین مالی و با تجهیزات موجود و نیروهای در دسترس موجب جذب اعضا شد. در این بین می‌توان به‌جای شعاردادن و سخنرانی کردن، با انجام کارهای عملی در معرض دید عموم، موجبات آشنایی بیشتر مردم را فراهم کرد و باعث علاقه‌مندکردن افراد با سلایق مختلف به سازمان شد؛ مثلا در یکی از مانورهای برگزارشده در دانشگاه، نجاتگران از کارگاه‌های صعود و فرود از دیوارهای دانشگاه، عملیات صعود و فرود و انتقال مصدوم به پایین را انجام دادند که این کار باعث شد تعداد کثیری از دانشجویان برای عضویت به کانون و جمعیت مراجعه کنند یا نخستین مانور تخصصی امدادونجات در سیلاب در سطح استان که توسط امدادگران جمعیت هلال‌احمر در اوایل تابستان و در محل دریاچه مصنوعی شهرستان ساوه در حضور شهروندان ساوجی و مدیران و مسئولان شهری برگزار شد، باعث شد در طول چند هفته تعداد زیادی از جوانان با روحیه و اخلاق مدار جذب فعالیت‌های سازمان شوند و به عضویت جمعیت هلال‌احمر درآیند. جذب جوانان برای مشارکت در فعالیت‌های سازمان کار سختی نیست، اما مسأله مهم، تداوم حضور این نیروهاست و به مدیریت قوی و کارآمدی نیاز دارد. افراد برای ارضای غریزه نوعدوستی به‌صورت داوطلبانه و بانگیزه وارد سیستم می‌شوند. همان‌طور که می‌دانید انگیزه یک مسأله کاملا درونی است که فقط در صورت تمایل و خواستن، فرد می‌تواند آن را در خود به‌وجود آورد، اما گاهی این انگیزه کمرنگ و از شور و هیجان آن کاسته می‌شود، اینجاست که ما باید به‌دنبال راهکارهایی برای تشویق این جوانان برای ادامه راهشان باشیم که در زمینه تشویق آنان نیز باید بسیار مراقب بود که به هدف والای امدادگران خدشه‌ای وارد نشود و آنان را از مسیر اصلی انسانیت و بشردوستی خارج نکند. این راهکارها می‌تواند هم مادی و هم معنوی باشد. در شرایط اقتصادی کنونی و وضع نابهنجار اشتغال جوانان، یک راهکار اساسی می‌تواند بیمه‌کردن امدادگران باشد یا حتی تخفیف در میزان حق بیمه آنان هم می‌تواند موجب دلگرمی‌شان به خدمت‌رسانی در پایگاه‌ها و دوری از کانون گرم خانه و خانواده باشد. ایجاد حس رقابت در رسیدن به مدارج عالی بشردوستی نیز مشوق معنوی امدادگران در عرصه خدمت‌رسانی آنان خواهد بود.

از سیر تا پیاز امدادگری

آموزش عملی و تئوری برای امدادونجات یک اصل است

شهروند | نجات عبارت است از یک‌سری عملیات که منجر به رهایی افراد زنده از شرایط بحرانی و به دام افتاده می‌شود و همچنین انجام کمک‌های نخستین روی آنها که از وخامت حال افراد جلوگیری کند.

کارهای عملی اساس آموزش نجات است و آموزش عملی یا تئوری برای تفهیم مسئولیت‌ها و فهم بهتر کارهای عملی به کار می‌رود. آموزش شفاهی به تنهایی دارای ارزش کمی بوده، همچنین نمایش یک عمل نجات بدون اینکه نجاتگران عملا و شخصا آن را انجام ندهند، فایده چندانی ندارد.

مهارت انضباط و کار دسته‌جمعی که با اطلاعات فنی توأم باشند ازجمله عوامل بسیار مفید در عملیات نجات هستند. این عوامل را فقط با کارهای عملی و واقعی می‌توان به دست آورد. کار نجات، یک کار کاملا فنی است و اجرای صحیح آن احتیاج به آموزش، تمرین و مهارت‌های خاصی دارد. افرادی که بخواهند در مرحله اولیه و ابتدایی تا قبل از رسیدن دسته‌های متخصص و تعلیم‌دیده عملیات نجات را انجام دهند باید توجه داشته باشند که چه کارهایی را به مرحله اجرا بگذارند.

تمامی عملیات نجات باید به‌طور گروهی یا دسته‌جمعی انجام شود. باید دستورات فرمانده گروه را دقیقا و به‌موقع اجرا کرد، زیرا ممکن است جان مصدوم و شاید جان خود نجاتگر نیز به خطر افتد و این بستگی به اطاعت و اجرای حتی کوچکترین دستور فرمانده گروه دارد. در عملیات نجات نتیجه کار یک فرد تعلیم‌دیده و باهوش به مراتب بیشتر و موثرتر از قدرت و نیروی جسمانی او است.

نقش و وظایف امدادگر در صحنه آسیب:

به هر دوره‌دیده داوطلب یا مامور که اقدام به ارایه کمک‌های موردنیاز کند، امدادگر گفته می‌شود و او به‌عنوان یک فرد کمک‌دهنده می‌تواند وظایف متعددی را در صحنه آسیب برعهده داشته باشد. این وظایف و نقش‌ها بسته به نوع شرایط حادثه به شرح زیر متفاوت است:

۱- رسیدگی سریع و مناسب به مصدومان موجود در صحنه آسیب یا بیماران، ۲- حفاظت از سلامت خود، ۳- حفاظت و ایمنی صحنه آسیب، ۴- درخواست کمک از مراجع ذیصلاح (اورژانس، آتش‌نشانی، هلال‌احمر، پلیس و...، ۵- مشارکت در عملیات جست‌وجو و نجات (sar)، ۶- دستیابی به مصدوم و رهاسازی، ۷-انجام ارزیابی مصدوم و سانحه، ۸- اجرای کمک‌های اولیه و اقدامات ضروری، ۹- انتقال مصدوم (در صورت لزوم)، ۱۰- هدایت اطرافیان و نظاره‌گران به انجام اقدامات ضروری (مدیریت صحنه)، ۱۱- کنترل فعالیت‌ها و اقدامات اطرافیان و نظاره‌گران صحنه آسیب، ۱۲- کمک به پرسنل اورژانس و سایر نیروهای امدادی (در صورت لزوم)، ۱۳- مکتوب‌سازی اقدامات و مراقبت‌ها، ۱۴- اطلاع‌رسانی، ۱۵- حمایت روانی از آسیب‌دیدگان، ۱۶- پشتیبانی عملیات و ۱۷- ارتقای سطح معلومات و مهارت‌های خود و دیگران.

خصوصیات امدادگر

۱- داشتن اطلاعات کافی و مهارت‌های لازم جهت انجام کمک‌های اولیه، ۲- حفظ خونسردی در حین مواجهه با صحنه آسیب و مصدومان، ۳- سرعت عمل در کار، این امر برای رسیدگی به عوامل تهدیدکننده زندگی با اهمیت است، ۴- داشتن ابتکار عمل و حداکثر استفاده از حداقل وسایل موجود، ۵- تسلی‌بخشیدن به مصدومان و حمایت روانی از آنها، ۶- رعایت فرهنگ غالب منطقه آسیب و پایبندی به تعالیم مذهبی و ارزش‌ها، ۷- شناخت محدوده فعالیت خود و عدم دخالت در امور پزشکی و ۸- آراسته بودن ظاهر و برخورد مناسب.

آشنایی با تجهیزات امدادونجات

به‌عنوان یک امدادگر ممکن است در صحنه حادثه مثل یک پلیس، عبورومرور را کنترل کنید یا مانند یک مأمور آتش‌نشانی مجبور به خاموش‌کردن آتش‌سوزی و رهاسازی مصدومان گرفتار در آتش یا زیر آوار و خودرو باشید. بنابراین برای ایفای نقش صحیح خودتان احتیاج به ابزار و تجهیزات به‌خصوص دارید و باید تا آنجا که ممکن است نسبت به صحنه حادثه‌ای که به آن وارد می‌شوید، مجهز به وسایل مورد نیاز آن صحنه باشید. البته شما باید خصوصیت حسن ابتکار و خلاقیت را در خودتان بیشتر فعال کنید، زیرا در نظر داشته باشید که ممکن است به صحنه‌ای وارد شوید که هیچ‌گونه تجهیزاتی به همراه ندارید، مثلا زمانی که به تعطیلات می‌روید ناگهان با صحنه حادثه‌ای روبه‌رو می‌شوید، در اینجا باید وسایل موجود در صحنه و در دسترس را به‌طور ابتکاری و کاملا صحیح برای کنترل خطرات و ایجاد مراقبت به کار گیرید. مثلا ممکن است برای بی‌حرکت کردن عضو آسیب‌دیده مصدوم، آتل در اختیار نداشته باشید، از آنجا که می‌دانید کار آتل بی‌حرکت کردن عضو آسیب‌دیده است از هر وسیله‌ای که بتواند این‌گونه عمل کند می‌توانید استفاده کنید. نکته‌ای دیگر که در رابطه با تجهیزات باید درنظر داشت این است که در صحنه‌های وسیع حوادث، گروه‌های متعددی به کمک می‌آیند؛ این گروه‌ها برای کمک‌رسانی به صحنه وارد می‌شوند و هر گروه مجهز به دستگاه‌ها و تجهیزات خاصی هستند که افراد هر گروه قبلا طی دوره‌های آموزشی کاملا کار با این تجهیزات را آموخته‌اند. از آنجا که ممکن است به‌عنوان یک امدادگر در کنار این گروه‌ها در امر امدادرسانی همکاری داشته باشید، آشنایی مختصری با این وسایل برای شما مفید خواهد بود. در این بخش سعی شده لیست تقریبا کاملی از تجهیزات در اختیار شما قرار بگیرد.

به‌عنوان یک امدادگر ممکن است در صحنه حادثه مثل یک پلیس، عبورومرور را کنترل کنید یا مانند یک مأمور آتش‌نشانی مجبور به خاموش کردن آتش‌سوزی و رهاسازی مصدومان گرفتار در آتش یا زیر آوار و خودرو باشید

وسایل و تجهیزات به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) تجهیزات شخصی و انفرادی امدادگر

ب) تجهیزات امداد و کمک‌های اولیه

ج) تجهیزات نجات

الف) تجهیزات شخصی و انفرادی امدادگر: شما به‌عنوان یک امدادگر باید بدانید به دلیل پراسترس بودن لحظات اولیه حوادث و اعزام، معمولا بعضی از تجهیزات اولیه که هر امدادگر باید به همراه داشته باشد، فراموش می‌شود که نتیجه آن به‌وجود آمدن مشکلاتی برای شماست. پس در زمان حرکت و اعزام دقت داشته باشید که حداقل وسایل شخصی و تجهیزات انفرادی خود را به همراه داشته باشید. تجهیزات شخصی آن دسته از وسایلی هستند که معمولا هر امدادگر خودش تهیه می‌کند تا در زمان اعزام به منطقه حادثه به همراه داشته باشد و در حفظ بهداشت فردی امدادگر بسیار موثر است. تجهیزات شخصی: ظروف غذا (بشقاب، قاشق، چاقو، دربازکن و لیوان)، مسواک و خمیردندان، حوله و صابون، کارت شناسایی، کبریت یا فندک، دمپایی، لباس اضافه، سوزن‌ونخ و کاغذ و قلم. تجهیزات انفرادی نیز وسایلی هستند که معمولا با توجه به نیاز هر عملیات و امکانات موجود در سازمان در اختیار نیروهای امدادی قرار می‌گیرد تا آمادگی لازم را جهت انجام مأموریت‌های امدادی داشته باشند. تجهیزات انفرادی: کوله‌پشتی، کیسه‌خواب یا پتو، پوتین یا کفش مناسب، لباس امدادی (با توجه به فصل)، چراغ قوه، قمقمه، ماسک‌های محافظ، دستکش‌های محافظ، جعبه کمک‌های اولیه انفرادی و غذای فاسدنشدنی جهت ۲۴ساعت.

ب) تجهیزات امداد و کمک‌های اولیه:

بعد از این که امدادگر آماده شد نیاز به تجهیزات و ابزار لازم جهت ایجاد آمادگی و انجام مأموریت دارد که یک بخش از این تجهیزات را وسایل امدادی و پزشکی تشکیل می‌دهند و البته شما تا حدود زیادی با آنها در دوره‌های قبل آشنا شده‌اید. وسایل جعبه کمک‌های اولیه: باند (سه‌گوش، نواری، کشی و توری)، گاز استریل، گاز وازلین، سوزن قفلی، دستمال کاغذی، پنس و قیچی، آتل انگشت (فینگر)، ایروی (Air way)، ماسک مخصوص تنفس مصنوعی، ورقه‌های آلومینیومی استریل جهت مصدومان سوختگی، سرم شست‌وشو، بتادین، چسب زخم، چسب روی باند، ترمومتر، چراغ‌قوه، دستکش استریل و دستکش یکبار مصرف. تجهیزات امدادی شامل: ۱-دستگاه فشارسنج و گوشی پزشکی، ۲- کیسه‌های آب سرد و گرم، ۳- ملحفه، ۴-انواع آتل چوبی، ۵- آتل تمام تنه، ۶- آتل نیم‌تنه، ۷-انواع برانکار (ساده، چرخدار کوچک، چرخدار بزرگ، سبدی، تاشو ساده و کوهستان)، ۸- کیف احیا، ۹- دستگاه زنده‌یاب، ۱۰- تخت بیمار و ۱۱- پاراوان.

ج) تجهیزات نجات: همان‌طور که می‌دانید در بعضی از موقعیت‌های خاص در اثر حوادث، ابتدا نیاز به یک‌سری عملیات‌های نجات و تجهیزات خاص است تا ما بتوانیم یک عملیات امدادی موثر را انجام دهیم که لزوم آن شناخت و آشنایی با ابزار نجات است که با توجه به کاربرد، به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

ج-۱: ابزار ایمنی و هشدار: شما به‌عنوان یک امدادگر باید بدانید اگر بر اثر بی‌احتیاطی و عدم استفاده از ابزار مناسب آسیب ببینید، مشکلات زیادی را برای خود و دیگر پرسنل امدادی به‌وجود می‌آورید و توانایی لازم را جهت انجام عملیات از دست می‌دهید، پس همیشه قبل از شروع هر عملیات امدادونجات ابتدا اقدامات لازم جهت ایمنی خودتان، مصدومان و دیگران را فراهم کنید. لباس ضدگاز با متعلقات، لباس ضداسید، لباس کامل ضداشعه، لباس ضدرادیواکتیو، لباس کار، کلاه ایمنی، کفش ایمنی، عینک ایمنی، دستکش‌های ایمنی، نقاب ایمنی، نوار ایمنی و خطر، کمربند ایمنی، مخروط شبرنگ، دستکش ضدولتاژ، جلیقه فسفری، انواع ماسک (بخارات مضر، گردوخاک، آلودگی محیط، گازهای سمی و خطرناک، مجهز به سیلندر هوای فشرده و بلومان)، تابلوهای اعلام خطر (دستی و ثابت)، هواپیماها و اگر توده‌های مذاب از آن سرازیر شود، تهدید است برای جوامعی که در مسیر مذاب‌ها قرار دارند. یک سد، با میلیون‌ها مترمکعب آبی که در پشت آن ذخیره شده است، یک مخاطره محسوب می‌شود، زیرا پتانسیل آسیب‌زدن به جوامع پایین‌دست را دارد. این سد در اثر فرسودگی و مراقبت ناکافی می‌تواند به تهدید تبدیل شود. لوله‌کشی گاز در منزل فی‌نفسه یک مخاطره است. وقتی بوی گاز را استشمام کنید، با تهدید مواجه شده‌اید. هواپیمایی که از فراز آسمان یک شهر می‌گذرد، یک مخاطره است و زمانی که دچار نقص فنی می‌شود، دیگر یک تهدید است.

حادثه، تصادف: Accident

رخداد یا واقعه‌ای ناخواسته، ناگوار و خسارت‌بار (جانی و مالی)، تحت‌تأثیر مخاطرات اما محدود که اگرچه پاسخ اضطراری به آن ضروری است اما پتانسیل مختل‌کردن روند طبیعی جامعه را ندارد و اغلب توسط نیروها یا تیم‌های تک‌مأموریتی محلی مانند اورژانس، امدادونجات و آتش‌نشانی قابل کنترل است. مانند سقوط یک فرد در چاه، تصادفات محدود رانندگی که منجر به تلفات انبوه یا اختلال در ترافیک نشود، رفتن یک اسکی‌باز به کام بهمن.

سانحه: Incident

رویداد یا حادثه‌ای خسارت‌بار که توسط

زاویه

برخی اصطلاحات و مفاهیم شایع در مدیریت و فرماندهی سوانح و بلایا

با ادبیات «امدادی» بیشتر آشنا شویم

پدیده Phenomenon:

هر چیزی که در جهان هستی وجود دارد، اعم از طبیعی و غیرطبیعی (مربوط به بشر و آثار بشری)

مخاطره Hazard:

آن دسته از پدیده‌هایی را گویند که جامعه‌ای را در معرض تأثیرات خود داشته و پتاسیل آسیب‌زدن به جان، دارایی، اعتبارات، توانمندی‌ها و محیط‌زیست آن را دارند. این مخاطرات یا طبیعی هستند (Natural) مانند گسل، نزولات آسمانی، گرما و سرما، بادهای تند، آتشفشان غیرفعال، برف انباشته‌شده روی ارتفاعات و... یا مصنوع بشرند (Manmade) مانند سد، بمب، هواپیما، صنایع شیمیایی، هسته‌ای...

این مخاطرات، ممکن است که در داخل قلمرو جامعه موردنظر ما قرار داشته باشند یا اگر هم در خارج از جامعه ما قرار دارند اما تناوب، شدت و وسعت وقوع آنها قطعا بر جامعه ما تاثیرگذار است.

تهدید Threat:

تظاهرات، صورت و حالت ضربه‌زننده و خسارت‌بار و مختل‌کننده حاصل از مخاطرات که می‌تواند آسیب‌ها و خساراتی را بر جامعه (انسان‌ها و متعلقات آنان) وارد سازد.

این تهدیدات نیز یا طبیعی هستند (Natural) مانند سیل، زلزله، بهمن، صاعقه، طوفان، رانش و... یا ساخته دست بشر (Manmade) مانند شکستن سد، انفجار بمب، سقوط هواپیما، نشت مواد خطرناک، آتش‌سوزی، جنگ و تروریسم.

بنابراین، کوه آتشفشان یک مخاطره یا Hazard است. وقتی توده‌های خاکستر از دهانه آن متصاعد شود، تهدید است برای مخاطرات طبیعی (سیل، زلزله، طوفان و...) یا انسان‌ساز (آتش‌سوزی و...) ایجاد می‌شود، پاسخ اضطراری به آن ضروری است، زیرا روند طبیعی جامعه را مختل کرده و درصورت عدم اقدام به‌موقع و موثر می‌تواند توسعه‌یافته و به Disaster تبدیل شود. مقابله با سانحه اغلب تداخل نیروها و تیم‌های سازماندهی‌شده متعددی را از دستگاه‌های پاسخگو، تحت مدیریت و فرماندهی یکپارچه می‌طلبد. مانند تصادفات زنجیره‌ای در جاده‌ها، آتش‌سوزی در کارخانه، ساختمان یا جنگل‌ها، سقوط بهمن روی جاده یا روستا، زلزله، سیل و...

بلیه: Disaster

(در ایران به بحران ترجمه می‌شود)

سانحه‌ای است مهارنشده و رو به گسترش که کنترل آن از توان، امکانات و منابع محلی خارج است و طی آن تأسیسات زیربنایی و روند طبیعی جامعه کاملا دچار اختلال شده، جان و مال انسان‌های زیادی آسیب‌دیده و دچار تهدید جدی می‌شود.

بحران: Crisis

یک وضعیت اضطراری که نیاز به پاسخ داشته می‌تواند در سیاست، امنیت، اقتصاد، فرهنگ یا در هر روند برنامه‌ریزی‌شده و زیربنایی جامعه اختلال جدی ایجاد کند، مانند کودتا، بحران اقتصادی، فرهنگی یا بیکاری، منازعات مسلحانه و اغتشاشات.

آسیب‌پذیر: Vulnerability

نقاط ضعف یک جامعه از نظر موقعیت اقلیمی، مقاومت و وضعیت سازه‌ها، آمادگی انسان‌ها و آمادگی سازمان‌های ذیربط در مقابل تهدیدات.

خطرپذیری: Risk

خسارات احتمالی سوانح بر جان، اموال،